



برمی‌آید که در نتیجه اصفهان به‌وسیله‌ی ضرغام‌السلطنه بختیاری و یارانش به تصرف درمی‌آید و تهران نیز با سرداری سردار اسعد و محمودلی‌خان تنکابنی از جور و ستم محمدعلی‌شاه و اعوان و انصار مستبد او پیراسته می‌شود و شاه به سفارت روس در زرگنده پناه می‌گیرد و مجلس و مشروطه دوباره برقرار می‌شود.

در دوره‌ی اول مجلس شورای ملی براساس اصل دوم متمم قانون اساسی مقرر می‌گردد که در هیچ عصری از اعصار مصوبات مجلس نباید مخالفتی با قوانین اسلام داشته باشد و برای تأمین این نظر آقایان شیخ عبدالله مازندرانی و محمدکاظم خراسانی (مراجع شیعه در نجف) اسامی بیست نفر از مجتهدین و فقهای متدین را به مجلس شورای ملی می‌فرستند (در سال ۱۳۲۸ هجری قمری) تا از بین آنان وکلای مجلس، پنج نفر را انتخاب کنند تا مراقبت کنند که اگر مواد قانونی که در مجلس مطرح می‌شود در صورتی که با قواعد اسلام مخالفت یا

□ در تابستان امسال (۱۳۸۷) منزل حاج آقا نورالله (فقه‌الاسلام) که در حوادث مشروطیت مرکز اجتماع آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان اصفهانی بوده به‌نام «خانه‌ی مشروطیت اصفهان» نام‌گذاری و طی مراسمی بازگشایی شد.

خانه‌ی مزبور در زمینی به مساحت ۲۰۲۴ متر مربع بیرونی و اندرونی و سالن‌ها و اتاق‌های متعدد می‌باشد. زیربنای اصلی آن ۸۸۱ متر و زیربنای بخش توسعه‌ی آن ۶۲۸ متر و زیربنای جدید ۸۲۴ مترمربع است.

این خانه در دوره‌ی پادشاهان قاجار و احتمالاً به عهد سلطنت مظفرالدین‌شاه بنا گردیده و اتاق‌ها و سالن‌های آن مزین به گچ‌بری‌های زیبا و نقاشی‌های شیر و شکر و پنجره‌های رنگی می‌باشد و امید می‌رود که در آینده یکی از مراکز بازدید جهانگردان قرار گیرد، چون در حال حاضر به‌صورت یک موزه‌ی زیبا و دیدنی جلوه‌گر شده است.

حاج آقا نورالله پسر شیخ محمدباقر ابن شیخ محمدتقی معروف به آقاجقی است. وی از علمای روشنفکر، صاحب‌نظیر و رییس علما و آزادی‌خواهان اصفهان بوده و ریاست انجمن ولایتی اصفهان را نیز به‌عهده داشته که شادروان سید حسن مدرس هم عضویت آن را داشته است. جلسات انجمن نیز غالباً در همین محل برگزار می‌شده است.

مغایرت داشته باشد رد نمایند و مانع تصویب آن شوند.

در لیست بیست نفری ارسالی از نجف پنج نفر از آنان یعنی آقایان سید ابوالحسن موسوی اصفهانی، سید حسن مدرس، حاج آقا نورالله، میرزا محمدحسین نائینی و شیخ عبدالله گلپایگانی از علمای اصفهان مقیم نجف یا اصفهان بودند و جز سید حسن مدرس بقیه از قبول عضویت عذر خواستند و لذا از همان لیست چهار نفر دیگر انتخاب شدند. حاج آقا نورالله در همان اول عازم نجف شد و در اوایل جنگ بین‌المللی به اصفهان بازگشت و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را از سر گرفت.

شادروان وحید دستگردی که از یاران حاج آقا نورالله در حوادث مشروطیت و دوران استبداد صغیر بوده در بازگشت حاجی از عتبات به اصفهان در ره آورد وحید نوشته است: «در آغاز جنگ جهانگیر اول حاج شیخ نورالله اصفهانی نورالله مضجعه از سفر زیارت عتبات عالیات رجعت کرد و چون سفر وی اجباری بود و در باطن نمایندگان روس و انگلیس او را تبعید کرده بودند و آزادی‌خواهان اصفهان او را پناه آزادی و حریت می‌دانستند، رجعت او روحی تازه در اجسام دمید و انقلابی جدید در اصفهان پدید آورد.

در اواسط شعبان سال ۱۳۲۶ هجری قمری حاج علی‌قلی‌خان سردار اسعد که از پاریس به‌طور ناشناس به بختیاری آمده بود و در جلفای اصفهان با حاج آقا نورالله و اعضای انجمن سری مشروطه‌خواهان اصفهانی دیدار می‌کند و پس از تبادل نظر به بختیاری بازمی‌گردد و در تدارک سپاه برای نجات اصفهان و تهران از دست مستبدین





این ترکیب‌بند در تهنیت قدوم وی و تحریض مجاهدین اصفهان به نظم آمد و در خانه‌ی وی هنگامی که تمام طبقات اهالی حضور داشتند خوانده شد...»

اکنون دو بند از آن ترکیب‌بند نقل می‌شود:
 ای صفهان مژده بادت اخترت رست از وبال
 ای مسلمانان بشارت، دور شد دور ملال
 آمد آن عزت که دوراندیش می‌خواندش کمال
 وقت آن ذلت که می‌گفتند ناید در خیال
 یوسف مصر سعادت باز در کنعان رسید
 نور اندرچشم و جان در جسم اصفهان رسید
 قبله‌ی مشروطه حاجی‌شیخ‌نورالله که هست
 پیش رای روشن والای او خورشید پست
 حرز بازوی حقیقت دستیار زبردست
 ظلم پیرا مستبدپرداز و آزادی پرست
 گوهر دانش ز باطل دور با حق ملحق است
 مقدم میمون پاکش آیت جاءالحق است...»

در اواخر آذرماه سال ۱۳۰۶ خورشیدی بنا به دعوت حاج‌آقا نورالله جمعی از علمای اصفهان و شیراز به قم می‌روند و با بعضی از اقدامات دولت وقت به مخالفت برمی‌خیزند و مردم نیز در جهت هم‌دلی با آنان تعطیل عمومی اعلام می‌کنند که در نتیجه مخیرالسلطنه هدایت نخست‌وزیر و عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار به همراهی جمعی از روحانیون طرفدار دولت به قم می‌روند، لیکن بدون اخذ نتیجه‌ی مطلوب بازمی‌گردند و دیری نمی‌پاید که حاج‌آقا نورالله دچار کسالتی سخت می‌شود و در دی‌ماه همان سال به رحمت ایزدی می‌پیوندد.

استاد جلال‌الدین همایی در نامه‌یی که به وحید مدیر مجله‌ی ارمغان نوشته ماده تاریخ درگذشت حاج‌آقا نورالله را چنین آورده است:
 زد به تاریخش رقم کلک سنا شمع محراب عجم بی‌نور شد
 (۱۳۴۶ هجری قمری)

در پایان این مقال، گفتنی‌ست که به قرار اطلاع بعد از تاسیس خانه‌ی مشروطیت در تبریز و اصفهان، جمعی از مردم آزاده‌ی شهرهای خراسان، مازندران، کرمان، تهران، بختیاری و... نیز در تدارک تاسیس خانه‌ی مشروطیت در شهرهای خود برآمده‌اند.

خانه‌ی مشروطیت تبریز متعلق به حاج مهدی کوزه‌کنانی یکی از مشروطه‌خواهان آذربایجان بوده است که عکس آن قبلاً در صفحه‌ی ۱۰۷ ماهنامه‌ی حافظ شماره‌ی ۳۲ (نیمه‌ی دوم امرداد ۱۳۸۵) به چاپ رسیده است.

